۷۳ - ۸۸

بررسی مؤلفه‌های توسعهٔ سیاسی در کتابهای درسی دورهٔ اول و دوم متوسطه (۹۵ ـ ۱۳۹۴)*

◉ سید مجتبی طاهری[۱] ◉ دکتر علی دارابی[۲]

چکیده: **توسعه سیاسی از مفاهیمی است که پس از جنگ جهانی دوم در ادبیات توسعه مطرح شده است. برخی توسعه سیاسی را مقدمهٔ توسعه اقتصادی دانسته و با نظر به اهمیت جامعه‌پذیری سیاسی، لازمه تحقق توسعه سیاسی را، توجه جدی‌تر نظام آموزش و پرورش به آن می‌دانند. هدف از پژوهش حاضر بررسی میزان برخورداری کتابهای مطالعات اجتماعی، تاریخ، جامعه‌شناسی، ادبیات فارسی و معارف اسلامی دوره اول و دوم متوسطه از مؤلفه‌های توسعه سیاسی است که براساس نظرات گوناگون، آیات و روایات و قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران احصا شده است. روش پژوهش توصیفی و از نوع تحلیل محتوا و رویکرد پژوهش کاربردی است. واحد تحلیل، صفحه، پرسشها و تصویر است که با استناد به روش ویلیام رومی، ضریب درگیری فراگیران با متون درسی محاسبه شده است. برای اندازه‌گیری تفاوت میان ضرایب درگیری و نحوه توزیع مؤلفه‌ها، از آزمون خی۲ استفاده شده است. تحلیل ضرایب درگیری(ISI) به‌دست آمده، مبین توجه‌اندک تا مطلوب به مؤلفه‌های توسعه سیاسی است. آزمون خی۲ نیز نشان داد که هم میان پایه‌های تحصیلی، تفاوتی معنادار در توزیع مؤلفه‌های توسعه سیاسی وجود دارد و هم میزان توزیع مؤلفه‌ها در کل محتوا، به‌طور معناداری نامتوازن است.**

کلید واژگان: **توسعهٔ سیاسی، دوره اول متوسطه، دوره دوم متوسطه، جامعه‌پذیری سیاسی، قانون اساسی جمهوری اسلامی**

☑ تاریخ دریافت: ۹۷/۱۲/۰۶ ☑ تاریخ پذیرش: ۹۸/۰۵/۰۵

* *این مقاله مستخرج از رساله دکتری است.*

۱. دانشجوی دوره دکتری جامعه‌شناسی سیاسی، دانشکده علوم سیاسی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. mojtabataheri18@yahoo.com

۲. **(نویسنده مسئول)** استادیار گروه علوم سیاسی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. drdarabi_ali@yahoo.com

[Downloaded from qjoe.ir on 2026-10-07]

[DOR: 20.1001.1.10174133.1400.37.1.4.5]

مقدمه و بیان مسئله

توسعه از مسائلی است که در دنیای امروز توجه بسیاری از رشته‌های علمی را به خود جلب کرده است (ازکیا و غفاری، ۱۳۹۲). ابتدا متفکران توسعه را مقوله‌ای اقتصادی می‌دانستند (شیرزادی، ۱۳۹۳)، اما با گذر زمان این اندیشه متحول شد و توسعه ابعاد سیاسی، اجتماعی و فرهنگی نیز به خود گرفت (توسلی، ۱۳۷۳). امروزه توسعه به تحول در چهار زیرمجموعه فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و اجتماعی اطلاق می‌شود (قادری حاجت و همکاران، ۱۳۸۹). آنچه در دهه‌های اخیر توجه زیادی را به خود جلب کرده، بحث توسعهٔ سیاسی است، تا جایی که برخی آن را مقدمهٔ توسعهٔ اقتصادی دانسته‌اند (کاظمی، ۱۳۷۶). مفهوم توسعه سیاسی از دیدگاههای مختلف تعریف شده و به بحث گذاشته شده است (عباسی سرمدی، ۱۳۸۸). برخی توسعه سیاسی را به دلیل «چندبعدی، جامع و شدیداً کیفی بودن آن»، پیچیده‌ترین سطح توسعهٔ جامعه می‌دانند (سریع‌القلم، ۱۳۹۲: ۸۹). توسعه سیاسی «درمجموع فرایندی است که زمینه لازم را برای نهادینه کردن تشکل و مشارکت سیاسی فراهم می‌کند که حاصل آن افزایش توانمندی یک نظام سیاسی است» (ازکیا و غفاری،۱۳۹۲:۵۱). با وجود اهمیت آن، دراغلب کشورهای در حال توسعه مانند ایران، به‌جای توسعهٔ سیاسی، با سطوح و درجات گوناگون توسعه نیافتگی و نااستواری سیاسی مواجه‌ایم. این امر سبب شده است که شماری از پژوهشگران به تبیین مسئله بپردازند و با توجه به پیشینهٔ مطالعاتی و تجربهٔ خود دلایلی را مطرح کنند. در این میان، برخی با توجه به اهمیت تعلیم و تربیت، تبیین توسعهٔ سیاسی در مدارس کشور را مورد توجه قرار داده‌اند (سریع‌القلم،۱۳۹۲). یکی از کارکردهای تعلیم و تربیت، تربیت سیاسی است (مرزوقی، ۱۳۸۴). تربیت سیاسی فرایندی است که ناظر بر تغییر نگرش سیاسی دانش‌آموزان و افزایش مهارتهای مشارکتی و قابلیتهای اجتماعی و ارزش‌گذاری آنها نسبت به حقوق سایر شهروندان است (سول[1]، ۲۰۰۳). بنابراین همان‌گونه که تعلیم و تربیت به جامعه‌پذیری افراد می‌انجامد، تربیت سیاسی نیز به جامعه‌پذیری سیاسی افراد منجر می‌شود. در فرایند جامعه‌پذیری سیاسی، گرایشات و ارزشهای سیاسی در افراد نهادینه شده و افراد بر اساس آن به ایفای نقش می‌پردازند (آموند و پاول[2]، ۱۹۶۶). به بیان دیگر، افراد ضمن آشنا شدن با نظام سیاسی از طریق کسب اطلاعات و تجربیات، به وظایف و مسئولیتها و حقوق و نقشهای خویش در جامعه پی‌می‌برند (قوام، ۱۳۹۳). از آنجا که تربیت تابع نوع نظامهای سیاسی است، تفاوت در نوع ارزشهای سیاسی جوامع سبب شده است که نظامهای آموزشی منعکس‌کننده ارزشهای گوناگون باشند. در یک نظام سیاسی ممکن است فرد وظیفه‌شناس، مطیع و فاقد قدرت تصمیم‌گیری در نظر گرفته شود، در حالی که در نظامی دیگر فردی فعال، تأثیرگذار و دارای قدرت داوری و تحلیل باشد (گوتمان[3]، ۱۹۸۹). از آنجا که

1. Soule
2. Almond & Powell
3. Gutmann

[Downloaded from qjoe.ir on 2026-10-07]
[DOR: 20.1001.1.10174133.1400.37.1.4.5]

جامعه ایران در عصر حاضر نیازمند انسانهایی آگاه، حساس به مسائل جامعه و مشارکت جوست، لذا تعلیم و تربیت رسمی جامعه باید مطابق با این الزامات، امکان رشد شخصیت افراد در ابعاد مختلف، از جمله بعد اجتماعی و سیاسی را به نحو شایسته ای فراهم کند (رضوی و همکاران، ۱۳۸۹). بر این اساس، توسعه سیاسی، فراگردی است که زمینه نهادینه کردن تشکلها و مشارکت سیاسی آنها را فراهم می‌کند و حاصل آن، افزایش توانمندی افراد، احزاب و گروهها، برای مشارکت قانونمند در فضای سیاسی جامعه است (سعدآبادی و همکاران،۱۳۹۲). پژوهشهای اخیر مؤید آن است که آموزش و پرورش و به‌طور خاص مدارس، از مهم‌ترین عوامل درجامعه‌پذیری سیاسی ـ و در نتیجه توسعه سیاسی ـ افراد محسوب می‌شود (فاجرلیند[1]، ۱۳۷۰). عناصر نظام آموزشی تأثیرگذار بر امر آموزش توسعه سیاسی نیز متعدد است که در این میان، محتوای برنامهٔ درسی، یکی از اساسی‌ترین ابزارها برای ایجاد تغییرات مطلوب در کودکان و نوجوانان به شمار می‌آید. این تغییرات در دوره کودکی شامل تغییرات شناختی و نگرشی و در دوره نوجوانی و جوانی شامل تغییرات رفتاری می‌شود. محور اصلی پژوهش حاضر شناسایی مؤلفه‌های اصلی توسعه سیاسی و سپس بررسی محتوای درسهای مطالعات اجتماعی، تاریخ، جامعه شناسی، زبان و ادبیات فارسی و فرهنگ و معارف اسلامی دورهٔ اول و دوم متوسطه درسال تحصیلی ۹۵-۱۳۹۴، از نظر میزان برخورداری از مؤلفه‌های توسعهٔ سیاسی است. با توجه به اهداف مذکور پژوهش حاضر در پی پاسخدهی به این سؤال است که «در کتابهای درسی مطالعات اجتماعی، تاریخ، جامعه‌شناسی، زبان و ادبیات فارسی و فرهنگ و معارف اسلامی دورهٔ اول و دوم متوسطه تا چه حدی به مؤلفه‌های توسعه سیاسی توجه شده است؟» در این مقاله منظور از دوره اول متوسطه، دبیرستان دوره اول است که جایگزین دوره راهنمایی سابق شده است و منظور از دوره دوم متوسطه، دوره نظام قدیم متوسطه است.

پیشینهٔ پژوهش

در زمینهٔ نقش فرهنگ و آموزش و پرورش در توسعه سیاسی در ایران مطالعات گوناگون انجام شده است که به برخی از آنها اشاره می‌شود. عیوضی و منصورزاده (۱۳۹۰) در پژوهشی به بررسی نقش فرهنگ‌سازی سیاسی کنونی رسانه ملی بر توسعه سیاسی در جمهوری اسلامی پرداخته و عملکرد آنها را در این رابطه ضعیف ارزیابی کرده‌اند . دال سیونگ یو[2] (۱۳۷۷) به بررسی رابطه فرهنگ سیاسی و توسعه سیاسی در ایران و کره جنوبی پرداخته و فرهنگ سیاسی سنتی را که بر تمرکز سیاسی تأکید دارد، عامل کندی روند توسعه سیاسی در این دو کشور دانسته است. رضایی و همکاران (۱۳۹۰) به بررسی موانع فرهنگی توسعه سیاسی در ایران پرداخته و خودمداری و پنهان‌کاری را از موانع اصلی توسعه سیاسی افراد ارزیابی کرده‌اند. خرمشاد و صیاد رودکار (۱۳۹۶) به بررسی نقش امر به معروف و

1. Fägerlind
2. Dal Seung Yu

[Downloaded from qjoe.ir on 2026-10-07]
[DOR: 20.1001.1.10174133.1400.37.1.4.5]

نهی از منکر در توسعه سیاسی ایران پرداخته و معتقدند که این آموزه در حوزه مردم ـ حاکمان مغفول مانده اســت. تقی‌پور ظهیر (۱۳۶۸) به بررســی نقش آموزش و پرورش در رشد سیاسی دانش‌آموزان پرداخته و نقش آموزش و پرورش رسمی را در این زمینه بی‌بدیل دانسته است. تقی‌پور ظهیر و ضامنی (۱۳۸۶) در پژوهشــی دیگر به بررسی ریشــه‌های توسعه‌نیافتگی در نظام آموزش و پرورش پرداخته و بر تمرکززدایی از نظام آموزش و پرورش و تولید فرهنگ و ارزشها متناسب با نیاز توسعه تأکید کرده‌اند. مرشــدی‌زاد (۱۳۹۰) و نفیســی (۱۳۸۷) ضمن بررسی فرهنگ سیاســی در نظام جمهوری اسلامی، بر امر جامعه‌پذیری سیاسی و نقش آموزش و پرورش در این زمینه تأکید کرده‌اند. سریع‌القلم (۱۳۹۲) به بررسی رابطهٔ فرهنگ سیاسی با توسعه‌یافتگی پرداخته و بر اهمیت فرهنگ سیاسی در توسعه‌یافتگی و نقش آموزش و مدرســه در این زمینه، تأکید کرده است. میرزایی و جعفری (۱۳۸۸) به بررسی تأثیر عوامل اجتماعی و جمعیتی بر گرایش سیاسی دانش‌آموزان رودهن پرداخته و معتقدند که مطالب کتاب درسی سبب افزایش گرایشهای سیاسی دانش‌آموزان می‌شود. همچنین در زمینهٔ رابطه کتابهای درسی و توسعهٔ سیاســی در ایران، پژوهشهایی صورت گرفته است که این پژوهشها دارای دو مشخصه است: ۱) بــه غایت اندک‌اند، ۲) و عمدتاً به بررســی کتابهای درســی دورهٔ ابتدایــی پرداخته‌اند. برای نمونه افهمی(۱۳۸۵) به تحلیل محتوای کتابهای درســی دورهٔ ابتدایی در زمینهٔ آموزه‌های سیاسی پرداخته و بر توزیع نامتوازن مفاهیم سیاســی مانند مشــروعیت، رقابت و مشارکت سیاسی در کتابهای درسی دورهٔ ابتدایی تأکید کرده است. درخواه، مزیدی و مفیدی(۱۳۹۱) به بررسی مؤلفه‌های دموکراسی در کتابهای درســی تعلیمات اجتماعی دورهٔ ابتدایی پرداخته و سهم مشارکت و قانونگرایی را بیش از حد انتظار و ســهم مؤلفه‌های حق انتخاب، آزادی، برابری و تفکر انتقادی را اندک ارزیابی کرده‌اند. فتحی واجارگاه و همکاران (۱۳۹۳) با استناد به اعلامیهٔ جهانی حقوق بشر، میزان توجه به مؤلفه‌های حقوق بشــر را در کتابهای درســی دورهٔ ابتدایی مورد بررسی قرارداده و ســهم آزادی بیان را اندک ارزیابی کرده‌اند. محمودی (۱۳۹۰) ضمن بررســی و تحلیل محتوای کتابهای درسی تعلیمات اجتماعی دورهٔ راهنمایی از منظر نوع رویکرد آموزش شهروندی، ویژگیهای قانون مداری، مشارکت و تفکر انتقادی را مورد توجه قرار داده و بر این نظر اســت که بیشــترین توجه به مؤلفهٔ قانون‌مداری و کمترین توجه به مؤلفهٔ انتقادگرایی بوده اســت. علی‌عسگری و همکاران (۱۳۹۲) نیز به تحلیل محتوای کتابهای درسی آموزش ابتدایی در زمینهٔ حقوق بشــر و مؤلفه‌های آن پرداخته و بر این نظرند که بیشــترین توجه به مؤلفه‌هایــی چون آزادی و برابری و کمترین توجه نیز به مؤلفه‌هایی چون عدالت و حق حاکمیت ملی شده است. همان‌گونه که مطالعات گذشته نشان می‌دهد، بررسی مؤلفه‌های توسعه سیاسی در کتابهای درســی به ویژه دوره متوســطه، به ندرت مورد توجه بوده است. مطالعه حاضر بر آن بود که مؤلفه‌های توسعه سیاسی در کتابهای درسی دوره اول و دوم متوسطه را مورد بررسی قرار دهد.

[Downloaded from qjoe.ir on 2026-10-07]

[DOR: 20.1001.1.10174133.1400.37.1.4.5]

بررسی چارچوب نظری پژوهش

با عنایت به گستردگی و تنوع مفهوم توسعه سیاسی و تأکید بر این نکته که توسعه سیاسی نسخه‌ای واحد ندارد که بتوان آن را برای همه موقعیتها تجویز کرد، در تعیین ایده‌آلهای توسعهٔ سیاسی تلاش شده است تا ضروریات فرهنگی و مذهبی جامعه نیز در نظر گرفته شود. بنابر این در این پژوهش، احصا و انتخاب مؤلفه‌های توسعهٔ سیاسی با توجه به سه معیار صورت پذیرفته است:

۱) توجه به ویژگیها و شاخصهای اصلی نظریه‌های گوناگون و مرتبط با توسعه سیاسی؛

۲) قانون اساسی نظام جمهوری اسلامی ایران به عنوان میثاق مشترک دولت و مردم؛

۳) شناسایی اصول مشترک و پذیرفته شدهٔ مکتب تعالی بخش اسلام.

شناخت شاخصهای اصلی هرکدام از معیارهای فوق تا حد زیادی می‌تواند به روشن شدن هرچه بهتر مؤلفه‌های اصلی توسعه سیاسی کمک کند. دربارهٔ ویژگی و شاخصهای توسعهٔ سیاسی، بسیاری از صاحب‌نظران مبادرت به ارائه دیدگاههای خود کرده‌اند که به برخی از آنها اشاره می‌شود. لوسین پای[1]، مفهوم توسعه را عمیقاً تحلیل کرده و دربارهٔ آن نظریاتی داده است که تأثیری انکارناپذیر برکل مطالعات درباره توسعه سیاسی گذاشته است (وارما[2]، ۱۹۷۵). وی سه ویژگی مهم را برای مفهوم توسعه سیاسی مشخص کرده است: «برابری، ظرفیت، تغییرتدریجی» (سی. ایچ. داد[3]، ۱۳۸۸: ۱۱۳-۱۱۱). رونالد چیلکوت[4] نظریه‌های مربوط به توسعه سیاسی را در چارچوب سه مدل اصلی دموکراسی، دگرگونی سیاسی و بررسی بحرانها و مراحل توسعه سیاسی طبقه‌بندی کرده است (چیلکوت، ۱۹۸۱). ساموئل هانتینگتون[5]، پیچیدگی، استقلال، انعطاف‌پذیری، یگانگی، پراگماتیسم، مشارکت سیاسی (قوام، ۱۳۷۱) و نهادمندی (هانتینگتون، ۱۳۸۱) را مهم‌ترین معیارهای توسعه سیاسی می‌داند. لئونارد بایندر[6] توسعه سیاسی را در سه مفهوم خلاصه کرده است: «برابری فرهنگی، ظرفیت اقتصادی، تفکیک وظایف». هلیو ژاگواریبی[7] توسعهٔ سیاسی را «نوسازی سیاسی همراه با نهادینه کردن سیاسی» می‌داند (هدی[8]، ۱۳۸۱: ۷۹-۷۷). جیمز کلمن[9] توسعه سیاسی یک جامعه را منوط به افزایش کارآمدی یک نظام از طریق ایجاد نهادهای مؤثر و موفق می‌داند (اخوان کاظمی، ۱۳۷۷). کارل دویچ[10]، میزان تحرک اجتماعی را معیار عمده توسعه سیاسی می‌داند (قوام، ۱۳۷۱). قانون اساسی جمهوری اسلامی نیز که میثاق ملت

1. Lucian Pye
2. Varma
3. Clement Henry Dodd
4. Ronald Chilcote
5. Samuel Huntington
6. Leonard Binder
7. Helio Jaguaribe
8. Ferrel Heady
9. James Coleman
10. Karl Deutsch

[Downloaded from qjoe.ir on 2026-10-07]
[DOR: 20.1001.1.10174133.1400.37.1.4.5]

ودولت است در اصول گوناگون خود به امر توسعهٔ سیاسی و تحقق بخشیدن به ویژگیهایی چون آزادی، مشارکت، برابری، تربیت، انتخابات، چرخش نخبگان، استقلال قضایی، قانونمندی و ... تأکید کرده است. برای نمونه در اصل ششـــم قانون اساســـی آمده است: «در جمهوری اســـلامی ایران، امور کشور باید به اتکای آرای عمومی اداره شـــود از راه انتخابات ...» یا بر اســـاس اصل ۲۶ قانون اساسی فعالیت احزاب و جمعیتها آزاد است، مشروط بر اینکه استقلال و تمامیت ارضی و امنیت جامعه را مخدوش نکند. علاوه بر این در آیات متعدد قرآن و نیز روایاتی که از پیامبر و ائمه معصومین به ما رسیده بر تحقق بخشیدن به مؤلفه‌های توسعه سیاسی، مانند برابری، آزادی، کرامت انسانی، مشارکت و... در جامعهٔ اسلامی تأکید شده است. برای نمونه در آیهٔ ۱۵۹ سوره آل عمران و نیز آیه ۳۸ سوره شوری بر اهمیت مشورت و شوری در کارها تأکید شده است و یا در اهمیت عقلانیت و عقل بشری که از لوازم توسعه است، پیامبر اسلام می‌فرمایند: «همه خوبیها را به عقل می‌توان دریافت و هرکه عقل ندارد دین ندارد» (حراتی، ۱۳۶۳: ۵۴). مرور نظریه‌ها، قانون اساســـی، آیات و روایات مبین آن اســـت که به رغم تفاوتها، نظریات و متون فوق در برخی اصول و مفاهیم توســـعه سیاسی اشتراکاتی دارند. در مجموع نگارندگان مقالهٔ حاضر، با توجه به نکات گفته شـــده و پس از تأمل در آرای فوق، در ۶ مؤلفه اصلی مرتبط با مفهوم توســـعه سیاسی که هر کدام از سه خرده مؤلفه مرتبط با مفهوم توسعه سیاسی تشکیل شده است، به توافق رسیده‌اند (شکل ۱).

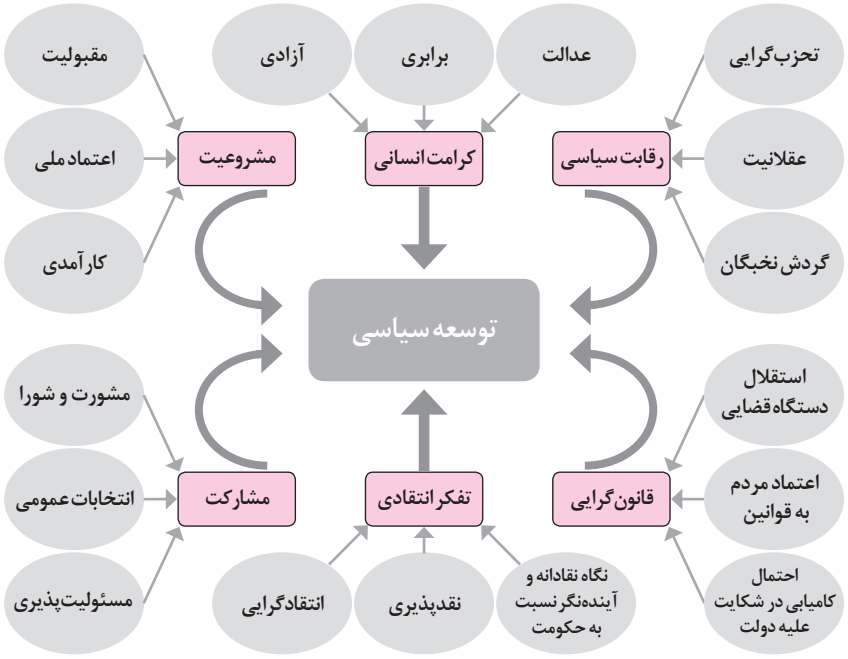

شکل ۱. مؤلفه‌های اصلی و فرعی مرتبط با توسعه سیاسی

[Downloaded from qjoe.ir on 2026-10-07]
[DOR: 20.1001.1.10174133.1400.37.1.4.5]

سؤالات پژوهش

۱. متن، پرسشـــها و تصاویر کتب و متون علوم اجتماعی دبیرســـتان (دورهٔ اول و دوم) به چه میزان دانش‌آموزان را با مؤلفه‌های توسعه سیاسی درگیر می‌سازند؟
۲. متن، پرسشها و تصاویر کتب و متون تاریخ دبیرستان (دورهٔ اول و دوم) به چه میزان دانش‌آموزان را با مؤلفه‌های توسعه سیاسی درگیر می‌سازند؟
۳. متن، پرسشها و تصاویر کتب و متون فرهنگ و معارف دینی دبیرستان (دورهٔ اول و دوم) به چه میزان دانش‌آموزان را با مؤلفه‌های توسعه سیاسی درگیر می‌سازند؟
۴. متن، پرسشـــها و تصاویر کتب و متون زبان و ادبیات فارســـی دبیرستان (دورهٔ اول و دوم) به چه میزان دانش‌آموزان را با مؤلفه‌های توسعه سیاسی درگیر می‌سازند؟
۵. آیا ضریب درگیری دانش‌آموزان با کتابها و متون درسی علوم اجتماعی، تاریخ، فرهنگ و معارف اسلامی و زبان و ادبیات فارسی دورهٔ اول و دوم متوسطه به لحاظ برخورداری از مؤلفه‌های توسعه سیاسی، بار مثبت بالایی دارند؟
۶. آیا ضریب درگیری دانش‌آموزان با کتابها و متون درسی علوم اجتماعی، تاریخ، فرهنگ و معارف اسلامی و زبان و ادبیات فارسی دورهٔ اول و دوم متوسطه به لحاظ برخورداری از مؤلفه‌های توسعه سیاسی، تفاوت معناداری با یکدیگر دارند؟
۷. آیا تفاوت معناداری در توزیع مؤلفه‌های شش‌گانهٔ توسعهٔ سیاسی در کل محتوای کتابها و متون مورد بررســـی (علوم اجتماعی، تاریخ، فرهنگ و معارف اسلامی، زبان و ادبیات فارسی) دورهٔ اول و دوم متوسطه وجود دارد؟

روش پژوهش

ایـــن مطالعه از نوع توصیفی- تحلیلی با بهره‌گیری از روش تحلیل محتوای کمّی اســـت. برای این منظور، نخست هر کدام از دروس موجود در کتابهای درسی بر اساس تعداد صفحه، پرسشها و تصاویر آن تقسیم بندی شد. واحد تحلیل برای متن؛ صفحه، برای پرسشها؛ هر پرسش ارائه شده در پایان موضوعات و درس و برای تصاویر؛ هر تصویر در یک درس، معین شد. سپس، محتوای کتابها بر اساس وجود یا عدم وجود مؤلفه‌های اصلی و فرعی توسعهٔ سیاسی به دقت مورد مشاهده قرار گرفت. در ادامه، به‌منظور تجزیه و تحلیل داده‌ها و شناســـایی میزان برخورداری کتابهای منتخب از مؤلفه‌های توسعه سیاسی، با استناد به فرمول ویلیام رومی[1](۱۹۸۶) به محاســـبه ضرایب درگیری فراگیران[2] با متن دروس، تصاویر و سؤالها از لحاظ مؤلفه‌های توســـعه سیاسی اقدام شد. بر این اســـاس در صورتی که ضریب درگیری از ۱ کمتر

1. William Romey
2. Index of Student Involvement (ISI)

[Downloaded from qjoe.ir on 2026-10-07]
[DOR: 20.1001.1.10174133.1400.37.1.4.5]

باشد، نشان‌دهنده توجه کمتر کتاب به مؤلفه‌های توسعه سیاسی و هر چه از ۱ بیشتر باشد نشان‌دهندۀ وضعیت بهتر کتاب از نظر برخورداری از مؤلفه‌های توسعه سیاسی خواهد بود. علاوه بر این به‌منظور مقایسه کتابهای درسی دوره اول و دوم متوسطه به لحاظ میزان توجه به مؤلفه‌های توسعه سیاسی و نیز مقایسه یا بررسی تفاوت در نحوه توزیع مؤلفه‌ها در کل نمونه از آزمون خی دو (x^2) نیز استفاده شده است. جامعه آماری پژوهش را، مجموعه کتابهای دورۀ اول و دوم متوسطه(۹۵-۱۳۹۴) تشکیل داده است. حجم نمونه شامل کتابهای مطالعات اجتماعی، تاریخ، علوم اجتماعی، فرهنگ و معارف اسلامی و زبان و ادبیات فارسی دورۀ اول و دوم متوسطه بوده است که با استفاده از روش نمونه‌گیری معطوف به هدف انتخاب شده‌اند. شایان ذکر است که کتاب مطالعات اجتماعی دوره متوسطه اول مشتمل بر متون درسی تاریخ ، مدنی (جامعه شناسی) و جغرافیاست که در این پژوهش صرفاً متون درسی تاریخ و مدنی(جامعه شناسی) مورد بررسی قرار گرفته است. برای احراز روایی مفاهیم استخراج شده از متن کتابهای درسی مربوطه، با توجه به گستردگی حجم واحدهای تحلیل (۴۳۷۵ صفحه)، ابتدا تعدادی از واحدهای تحلیل مربوط به متن، پرسشها و تصاویر، که حاوی مؤلفه‌های توسعه سیاسی بودند و تعدادی که فاقد مؤلفه‌های توسعه سیاسی بودند (ده درصد) به صورت تصادفی انتخاب و در اختیار ده تن از اساتید و دانشجویان دکتری علوم سیاسی قرار داده شدند و از آنها خواسته شد تا نظر خود را در مورد درستی تخصیص واحدهای مرتبط یا نامرتبط با توسعه سیاسی اعلام کنند. در نهایت نظرات استادان و دانشجویان در استخراج نهایی مؤلفه‌ها از محتوا به عنوان ملاک روایی مدنظر قرار گرفت. به‌منظور تعیین پایایی، پژوهشگران مجدداً تعدادی از واحدهای تحلیل مربوط به متن کتابهای درسی مربوطه را انتخاب و هر کدام را، با توجه به ارتباطشان با مؤلفه‌های توسعه سیاسی، در ذیل مقوله مربوطه قرار دادند. سپس از همان اساتید و دانشجویان مجدداً درخواست شد تا با استفاده از فرمی که در اختیار آنها قرارداده شده بود، مشخص کنند که واحدهای تحلیل منتخب، ذیل کدام یک از شش مقوله تعریف شده قرار می‌گیرند. پس از انجام این کار، ضریب همبستگی میان مقوله‌های تخصیص داده شدۀ پژوهشگران و استادان محاسبه شد. ضریب توافق حاصله برابر با ۷۰٪ شد که مؤید پایایی و ثبات نسبتاً مطلوب در استخراج و تخصیص واحدهای تحلیل مرتبط با توسعه سیاسی از متن بود.

یافته‌ها

در این بخش، یافته‌های حاصل از تحلیل محتوای کتابهای درسی مطالعات اجتماعی، تاریخ، جامعه‌شناسی، فرهنگ و معارف اسلامی و زبان و ادبیات فارسی دوره اول و دوم متوسطه با توجه به سؤالهای پژوهشی ارائه می‌شوند.

در زمینه سؤال اول، بر اساس محاسبات صورت گرفته، در متن، پرسشها و تصاویرکتابها و متون علوم اجتماعی دورۀ اول و دوم متوسطه، به ترتیب ۵۶/۵۹، ۵۷/۱۴، و ۳۹/۹۲ درصد از مفاهیم موجود

[Downloaded from qjoe.ir on 2026-10-07]

[DOR: 20.1001.1.10174133.1400.37.1.4.5]

به مؤلفه‌های توسعه سیاسی اختصاص دارد و میزان ضریب درگیری دانش‌آموزان (ISI) با متن، پرسشها و تصاویر به ترتیب ۱/۳۰، ۱/۱۷ و ۰/۶۵ است.

در زمینـــه ســـؤال دوم پژوهش، نتایج تحلیل حاکی از آن بود که بـــه ترتیب ۶۴/۳۸، ۴۳/۸ و ۳۹/۸ درصد از مفاهیم موجود در متن، پرسشها و تصاویر کتابها و متون تاریخ دوره اول و دوم متوسطه بیانگر مفهوم توسعه سیاسی است و ضریب درگیری(ISI) دانش‌آموزان با متن، پرسشها و تصاویر به ترتیب برابر با ۱/۸، ۰/۷۸ و ۰/۶۶ است.

در زمینهٔ سؤال سوم، بر اساس محاسبات، به ترتیب ۴۰/۶، ۳۴/۴۶ و ۲۸/۲ درصد مفاهیم احصا شده از متن، پرسشها و تصاویر کتابهای فرهنگ و معارف دینی دوره اول و دوم متوسطه به مؤلفه‌های توسعه سیاسی اختصاص دارد. همچنین ضریب درگیری(ISI) دانش‌آموزان با متن، پرسشها و تصاویر به ترتیب برابر با ۰/۶۸، ۰/۵۳ و ۰/۳۹ بود.

در زمینهٔ سؤال چهارم، نتایج تحلیل حاکی از آن بود که به ترتیب ۴۱/۲۹، ۲۵/۹۵ و ۲۵/۲۱ درصد از مفاهیم موجود در متن، پرسشها و تصاویر کتابهای زبان و ادبیات فارسی دوره اول و دوم متوسطه مبین مفهوم توســـعه سیاسی و ضریب درگیری(ISI) دانش‌آموزان با متن، پرسشها و تصاویر به ترتیب برابر با ۰/۷۰، ۰/۳۵ و ۰/۳۳ است.

در زمینهٔ ســـؤال پنجم، «آیا ضریب درگیری دانش‌آموزان با کتابهای درسی علوم اجتماعی، تاریخ، معارف اســـلامی و ادبیات فارســـی دوره اول و دوم متوســـطه به لحاظ برخورداری از مؤلفه‌های توسعه سیاسی، بار مثبت بالایی دارند؟» نتایج مربوط به این تحلیل در جدول ۱ ارائه شده است.

جدول ۱. مقایسهٔ درصد و ضریب درگیری مجموع واحدهای دارای مؤلفه توسعهٔ سیاسی

عنوان	متون درسی	واحدهای دارای مؤلفه توسعهٔ سیاسی			ضریب درگیری				
		متن	پرسشها	تصاویر	با متن	باپرسشها	باتصاویر	مجموع	میانگین
علوم اجتماعی	مدنی؛ جامعه‌شناسی؛ علوم اجتماعی	۵۶/۵۹	۵۷/۱۴	۳۹/۹۲	۱/۳	۱/۱۷	۰/۶۵	۳/۱۲	۱/۰۴
تاریخ	تاریخ؛ تاریخ ایران و جهان تاریخ معاصر؛ تاریخ شناسی	۶۴/۳۸	۴۳/۸	۳۹/۸	۱/۸	۰/۷۸	۰/۶۶	۳/۲۴	۱/۰۸
فرهنگ و معارف اسلامی	پیامهای آسمانی فرهنگ و معارف اسلامی	۴۰/۶	۳۴/۴۶	۲۸/۲	۰/۶۸	۰/۵۳	۰/۳۹	۱/۶	۰/۵۳
زبان و ادبیات فارسی	فارسی؛ ادبیات فارسی؛ زبان فارسی تاریخ ادبیات ایران و جهان	۴۱/۲۹	۲۵/۹۵	۲۵/۲۱	۰/۷۰	۰/۳۵	۰/۳۳	۱/۳۸	۰/۴۶

[Downloaded from qjoe.ir on 2026-10-07]
[DOR: 20.1001.1.10174133.1400.37.1.4.5]

همان‌طور که در جدول ۱ آمده اســت، با توجه به نتیجه حاصل از تعیین میانگین میزان ضرایب درگیری و با مقایســه میزان برخورداری کتابهای هر چهار عنوان درسی از مؤلفه‌های توسعه سیاسی، می‌توان نتیجه گرفت که بار آموزشــی مجموع کتابهای زبان و ادبیات فارســی و نیز مجموع کتابهای فرهنگ و معارف اســلامی دوره اول و دوم متوسطه با ضرایب درگیری پایین تر از ۱، در زمینه میزان توجه به مؤلفه‌های توســعۀ سیاسی، اندک و بار آموزشی مجموع کتابهای درسی علوم اجتماعی و نیز مجموع کتابهای تاریخ دوره اول و دوم متوســطه با ضرایب درگیری بالاتر از ۱، در زمینۀ میزان توجه به مؤلفه‌های توسعه سیاسی، قابل قبول است. در زمینۀ سؤال ششم، «آیا ضریب درگیری دانش‌آموزان با کتابهای درسی علوم اجتماعی، تاریخ، فرهنگ و معارف اسلامی و زبان و ادبیات فارسی دوره اول و دوم متوسطه به لحاظ برخورداری از مؤلفه‌های توسعه سیاسی، تفاوت معناداری با یکدیگر دارند؟» از آزمون تفاوت میان دو نسبت مستقل (فرگوسن و تاکانه[1]، ۱۳۹۰) استفاده شده است. نتایج این تحلیل در جدول شــمارۀ ۲ آورده شده اســت. جدول ۲ نتایج حاصل از مقایسۀ نسبتهای (ضرایب درگیری) متن، پرســش، تصویر و کل محتوای کتابهای درســی مورد بررســی در دوره اول و دوم متوســطه، مرتبط با مؤلفه‌های توسعه سیاسی، تفاوتهای معناداری را نشان می‌دهد. در متن کتابها، نتایج تحلیل حاکی از آن اســت که ضریب درگیری۱/۸۶(۸۲/۴۴) مجموع متون کتابهای علوم اجتماعی دوره اول متوســطه به‌طور معناداری بیشــتر از ضریب درگیری۱/۱۳(۱۴۷/ ۱۶۷) مجموع متون کتابهای علوم اجتماعی دوره دوم متوسطه است. در حوزۀ تاریخ، نتایج تحلیل حاکی از آن است که ضریب درگیری ۲/۱۴(۱۰۳/۴۸) مجموع متون کتابهای تاریخ دوره اول متوســطه به‌طور معناداری بیشــتر از ضریب درگیری ۱/۷۵(۵۳۷/۳۰۶) مجموع متون کتابهای تاریخ دوره دوم متوســطه اســت. همچنین ضریب درگیری ۰/۵۹(۱۴۲/۲۳۸) مجموع متون کتابهای زبان و ادبیات فارســی دوره اول متوســطه به‌طور معنــاداری کمتر از ضریب درگیری ۷۳/ ۰(۶۶۴/۹۰۸) مجموع متون کتابهای زبان و ادبیات فارســی دوره دوم متوســطه است. در حوزۀ فرهنگ و معارف اســلامی نیز نتایج تحلیل حاکی از آن است که ضریب درگیری ۰/۵۵(۱۴۷/۲۶۷) مجموع متون کتابهای فرهنگ و معارف اسلامی دوره اول متوسطه به‌طــور معناداری کمتر از ضریب درگیری ۰/۸۱(۲۱۴/۲۶۱) مجموع متون کتابهای فرهنگ و معارف اسلامی دوره دوم متوسطه است. در زمینۀ پرسشها و تصاویر نیز با توجه به جدول ۲ تفاوتهایی معنادار وجود دارد.

1. Ferguson & Takane

[Downloaded from qjoe.ir on 2026-10-07]

[DOR: 20.1001.1.10174133.1400.37.1.4.5]

جدول ۲. مقایسهٔ ضرایب درگیری دانش‌آموزان به تفکیک واحدهای تحلیل و به صورت کلی

مقایسه‌ها	شاخصها	اختلاف نسبتها	نسبت کل	خطای نسبت	df	X^2	سطح معناداری
متن	**علوم اجتماعی:** دورهٔ اول - دورهٔ دوم	۰/۷۳	۱/۳۰	۰/۱۰۷	۱	۵۳/۲۹	۰/۰۰۰۱
	تاریخ: دورهٔ اول - دورهٔ دوم	۰/۳۹	۱/۸	۰/۱۸۶	۱	۴/۳۹	۰/۰۵
	معارف اسلامی: دورهٔ اول - دورهٔ دوم	-۰/۲۶	۰/۶۸	۰/۰۴۰۶	۱	۴۱/۰۱	۰/۰۰۰۱
	ادبیات: دورهٔ اول - دورهٔ دوم	-۰/۱۴	۰/۷۰	۰/۰۳۳	۱	۱۷/۹۹	۰/۰۰۱
پرسش	**علوم اجتماعی:** دورهٔ اول - دورهٔ دوم	-۰/۵۹	۱/۱۷	۰/۰۶۷	۱	۷۷/۵۴	۰/۰۰۰۱
	تاریخ: دورهٔ اول - دورهٔ دوم	۰/۳۷	۰/۷۸	۰/۰۵۰	۱	۵۴/۷۶	۰/۰۰۰۱
	معارف اسلامی: دورهٔ اول - دورهٔ دوم	۰/۱۲	۰/۵۳	۰/۰۴۸	۱	۶/۲۵	۰/۰۳
	ادبیات: دورهٔ اول - دورهٔ دوم	۰/۰۸	۰/۳۵	۰/۰۳۱	۱	۶/۶۵	۰/۰۳
تصویر	**علوم اجتماعی:** دورهٔ اول - دورهٔ دوم	۰/۴۱	۰/۶۵	۰/۰۵۷	۱	۵۱/۷۳	۰/۰۰۰۱
	تاریخ: دورهٔ اول - دورهٔ دوم	-۰/۳۳	۰/۶۶	۰/۰۵۱	۱	۴۱/۸۶	۰/۰۰۰۱
	معارف اسلامی: دورهٔ اول - دورهٔ دوم	۰/۲۷	۰/۳۹	۰/۰۸۲	۱	۱۰/۸۴	۰/۰۰۱
	ادبیات: دورهٔ اول - دورهٔ دوم	۰/۴	۰/۳۳	۰/۰۶۸	۱	۳۴/۶۰	۰/۰۰۰۱
کل	**علوم اجتماعی:** دورهٔ او - دورهٔ دوم	۰/۲۰	۰/۹۶	۰/۰۱۵	۱	۱۷۷/۶۸	۰/۰۰۰۱
	تاریخ: دورهٔ اول - دورهٔ دوم	-۰/۱	۱/۰۴	۰/۰۱۴	۱	۵۱/۰۲	۰/۰۰۰۱
	معارف اسلامی: دورهٔ اول - دورهٔ دوم	-۰/۰۳	۰/۵۸	۰/۰۲۹	۱	۱/۰۷	۰/۵
	ادبیات: دورهٔ اول - دورهٔ دوم	۰/۰۳	۰/۴۹	۰/۰۲۳	۱	۱/۷۰	۰/۴

[Downloaded from qjoe.ir on 2026-10-07]
[DOR: 20.1001.1.10174133.1400.37.1.4.5]

در کل محتـــوا نیز یافته‌های حاصل از مقایســـهٔ آماری دو نســـبت، حاکـــی از آن بودند که ضریب درگیری ۱/۰۹(۲۵۸/۲۳۵) در کتاب درسی علوم اجتماعی دوره اول متوسطه به‌طور معناداری بیشتر از ضریب درگیری ۰/۸۹ (۴۲۲/۴۷۱) در کتاب درسی علوم اجتماعی دوره دوم متوسطه است. این در حالی اســـت که ضریب درگیری۰/۹۶ (۲۳۷/۲۴۶) در کتاب درسی تاریخ دوره اول متوسطه به‌طور معناداری کمتر از ضریب درگیری۱/۰۶ (۱۰۳۰/۹۶۸) در کتاب درسی تاریخ دوره دوم متوسطه است، اما ضرایب درگیری در کل محتوا نســـبت به سایر کتابهای درسی مورد بررسی در دوره اول و دوم متوسطه تفاوت معناداری را نشان نمی‌دهد. از مقایسه تفاوتهای به‌دست آمده می‌توان نتیجه گرفت که بیشترین تفاوت ضرایب درگیری میان کتابهای درسی علوم اجتماعی دوره اول و دوم متوسطه است. در زمینهٔ سؤال هفتم، «آیا تفاوت معناداری در توزیع مؤلفه‌های شش‌گانهٔ توسعهٔ سیاسی در کل محتوای کتابها و متون درسی (علوم اجتماعی، تاریخ، فرهنگ و معارف اســـلامی و زبان و ادبیات فارســـی) دوره اول و دوم متوســـطه وجوددارد؟»، مجذور خی محاسبه شد.

جدول ۳. نتایج آزمون X^2 برای بررسی تفاوت در توزیع مؤلفه‌های توسعهٔ سیاسی در کل محتوا

شاخصها / مؤلفه‌ها	فراوانی		(O-E)	(O-E) ۲/E	df	مقدار X^2	سطح معناداری
	مشاهده شده	موردانتظار					
کرامت انسانی	۷۴۶	۱۰۸۶/۵	-۳۴۰/۵	۱۰۶/۷۰	۵	۱۹۷۰/۵۸	۰/۰۱
مشروعیت	۲۲۱۸	۱۰۸۶/۵	۱۱۳۱/۵	۱۱۷۸/۳۶			
قانونگرایی	۲۸۰	۱۰۸۶/۵	-۸۰۵/۵	۵۹۷/۱۷			
مشارکت	۱۳۳۶	۱۰۸۶/۵	۲۴۹/۵	۵۷/۲۹			
رقابت	۱۰۲۷	۱۰۸۶/۵	-۵۹/۵	۳/۲۰			
تفکر انتقادی	۹۱۲	۱۰۸۶/۵	-۱۷۴/۵	۲۷/۸۶			

شـــایان ذکر اســـت که با این فرض که توزیع مؤلفه‌های توسعهٔ سیاسی در کل محتوا یکسان است، فراوانی مورد انتظار از طریق تقسیم کل مؤلفه‌های مشاهده شده در محتوا بر تعداد مؤلفه‌ها به‌دست آمده است. مراجعه به جدول ۳ نشان می‌دهد که میان مؤلفه‌های توسعهٔ سیاسی در سطح ۰/۰۱ تفاوت معنادار وجود دارد. بدین معنا که به مؤلفه مشروعیت بیش از حد انتظار و به مؤلفه‌های مشارکت، تفکر انتقادی و رقابت در حد انتظار و یا نزدیک به انتظار توجه شده است. این در حالی است که میزان توجه به سایر مؤلفه‌ها، به ویژه قانونگرایی ناچیز است.

[Downloaded from qjoe.ir on 2026-10-07]
[DOR: 20.1001.1.10174133.1400.37.1.4.5]

■ بحث و نتیجه‌گیری ■

در پایان با محور قراردادن سؤالهای هفتگانه، یافته‌های به‌دست آمده مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته‌اند. در بررسی سؤال اول، نتایج حاکی از آن بود که ضریب درگیری دانش‌آموزان با مؤلفه‌های توسعه سیاسی در متن و پرسشهای کتابهای درسی علوم اجتماعی دوره اول و دوم متوسطه در حد مطلوب است، اما در حوزهٔ تصاویر کتابهای درسی علوم اجتماعی، ضریب درگیری دانش‌آموزان با مؤلفه‌های توسعه سیاسی اندک است. با این حال، می‌توان نتیجه گرفت کتابهای مذکور، در مجموع توانایی لازم را برای آموزش توسعه سیاسی به دانش‌آموزان دارند و در این زمینه تأثیرگذارند. نتایج مربوط به سؤال دوم بیانگر این است که متن کتابهای درسی تاریخ دوره اول و دوم متوسطه، دانش‌آموزان را تا حدود ۶۰ درصد با مفاهیم توسعهٔ سیاسی درگیر می‌سازد، که قابل توجه است، هرچند این میزان درگیری بیشتر مربوط به مؤلفه‌های مشروعیت و رقابت و مشارکت است و سهم سایر مؤلفه‌های توسعه سیاسی مانند قانونگرایی، تفکر انتقادی وکرامت انسانی در این کتابها اندک است. بنابراین، در مورد متن این کتابها جای امیدواری است که با اقدامات معلمان و مدارس، ظرفیت فعال‌کنندگی این کتابها بیشتر شود. در مورد تصاویر و پرسشها، ظرفیت کتابهای درسی تاریخ برای نهادینه کردن مفاهیم توسعه سیاسی ناچیز است. در بررسی سؤال سوم، نتایج حاکی از آن بود که ضریب درگیری دانش‌آموزان با مؤلفه‌های توسعهٔ سیاسی در متن، پرسشها و تصاویر کتابهای درسی فرهنگ و معارف اسلامی دورهٔ اول و دوم متوسطه پایین است. بنابراین، کتابهای مذکور توانایی اندکی برای آموزش توسعهٔ سیاسی به دانش‌آموزان دارند و در این زمینه تقریباً غیرفعال‌اند. نتایج حاصل از سؤال چهارم نشان داد که ضرایب درگیری حاصل از محتوای کتابهای درسی زبان و ادبیات فارسی دوره اول و دوم متوسطه (متن، تصاویر و پرسشها) نیز از قابلیت اندکی برای آموزش مفاهیم توسعه سیاسی برخوردارند. این کتابها بیشتر بر مفاهیم مشروعیت، تفکر انتقادی و مشارکت تأکید داشتند. در بررسی سؤال پنجم، مجموع ضرایب درگیری مربوط به کل محتوای کتابهای درسی علوم اجتماعی، تاریخ، فرهنگ و معارف اسلامی و زبان و ادبیات فارسی محاسبه شدند و با یکدیگر مورد مقایسه قرار گرفتند. نتایج نشان داد که کتابهای درسی فرهنگ و معارف اسلامی و زبان و ادبیات فارسی قابلیت اندکی در آموزش مفاهیم مرتبط با توسعه سیاسی دارند، ولی کتابهای درسی علوم اجتماعی و تاریخ از قابلیت بیشتری در این زمینه برخوردارند. نتایج مرتبط با سؤال ششم نشان داد که به‌طور کلی به استثنای پرسشها، ضرایب درگیری مربوط به متن، تصاویر و کل محتوا، با یکدیگر متفاوت است. به نحوی که بیشترین تفاوت ضرایب درگیری میان کتابهای درسی علوم اجتماعی دوره اول و دوم متوسطه و کمترین تفاوت ضرایب درگیری میان کتابهای درسی زبان و ادبیات فارسی دوره اول و دوم متوسطه است. با یک نگاه طولی به ضرایب می‌توان نتیجه گرفت که با رفتن به پایه‌های بالاتر، میزان درگیری دانش‌آموزان با مؤلفه‌های توسعه سیاسی کمتر شده است. این نتیجه مؤید معنادار بودن و محرز شدن ضعف کتابهای درسی دوره متوسطه دوم در زمینهٔ آموزش مفاهیم مرتبط با توسعه سیاسی است. معنادار شدن تفاوت میان ضرایب درگیری مربوط به تصاویر کتابهای درسی و به‌طور

[Downloaded from qjoe.ir on 2026-10-07]
[DOR: 20.1001.1.10174133.1400.37.1.4.5]

کلی میزان توجه کم تصاویر در مقایسه با میزان توجه بیشتر پرسشها و متن به مؤلفه‌ها، نشان دهندۀ تطابق کم تصاویر با دیگر بخشهای محتواست. نتایج بررسی سؤال هفتم نشان داد که مؤلفه‌های توسعه سیاسی به یک میزان و به‌طور متوازن توزیع نشده‌اند. طبق این تحلیل، بیشترین توجه محتوای کتابهای درسی مورد بررسی به مؤلفه‌های مشروعیت و مشارکت بوده است. دلیل چنین وضعیتی ممکن است این باشد که در جامعه اسلامی ما با تمسک به دین مبین اسلام، بر ضرورت مشروعیت امور و همکاری و مشارکت افراد در زمینه‌های گوناگون تأکید بســـیار شده و این مسأله در محتوای کتابهای درسی مورد بررسی تجلی یافته است. حال آنکه در جامعه ما نسبت به موارد دیگر مانند قانونگرایی و کرامت انسانی که اتفاقاً مورد تأکید دین مبین اســـلام نیز اســـت، تا حدود زیادی غفلت شده است. نتایج حاصل از این پژوهش مؤید پژوهش افهمی (۱۳۸۵)، درخواه و همکاران، (۱۳۹۱)، محمودی (۱۳۹۰) و علی‌عسگری و همکاران (۱۳۹۲)، مبنی بر توزیع نامتوازن مؤلفه‌های توسعه سیاسی در کتابهای درسی و نیز مطابق با پژوهش درخواه و همکاران، (۱۳۹۱) مبنی بر توجه بیش از انتظار به مؤلفه مشارکت و توجه اندک به تفکر انتقادی در کتابهای درسی است. در ضمن یافته‌های این پژوهش با پژوهش محمودی (۱۳۹۰) و درخواه و همکاران، (۱۳۹۱) که سهم قانونگرایی را قابل توجه می‌دانند، منطبق نیســـت که علت آن می‌تواند در عدم تطابق کتابها و دوره‌های تحصیلی با یکدیگر باشد. در مجموع می‌توان نتیجه گرفت که کتابهای درسی مورد بررسی، به ویژه فرهنگ و معارف اسلامی و زبان و ادبیات فارسی دوره اول و دوم متوسطه از نظر ایجاد و پرورش مفاهیم و مؤلفه‌های مورد بررسی برای آموزش توسعه سیاسی به دانش‌آموزان در محتوا، پرسشها و تصاویر، عملکردی قابل قبول ندارند. همچنین تفاوت در ضرایب درگیریهای به‌دست آمده در هیچ یک از موارد (متن، پرسشها، تصاویر) و در هیچ کدام از دوره‌ها (متوســـطه اول و دوم) رونـــدی منطقی را دنبال نمی‌کنند. با توجه به این امر و نیز با اجرایی شـــدن سند تحول بنیادین در نظام آموزش و پرورش، پیشنهاد می‌شود که به‌منظور ارتقای سطح آموزش مفاهیم مرتبط با توسعه سیاسی در جامعه مردم سالار ایران اسلامی، در بازنویسی کتابهای درســـی مورد بررســـی در این پژوهش به نکات زیر در قالب پیشنهادهای کاربردی و پژوهشی توجه شود: **۱)** در بازنگریهای کلی یا جزئی آتی، به پرورش دانش و مهارتهای مرتبط با توسعه سیاسی در کتابهای درسی توجه بیشتری مبذول شـــود، **۲)** در بازنگریهای احتمالی آتی، افزایش و متوازن‌سازی توجه به مؤلفه‌های توسعه سیاسی و نیز بهره‌گیری از پرسشها و تصاویر جدید و متناسب با بحث آموزش توسعه سیاسی، مورد توجه قرار گیرد، **۳)** آشـــنا کردن کادر مدرسه به‌ویژه معلمان با ضرورت آموزش مفاهیم مرتبط با توسعه سیاســـی به دانش‌آموزان از طریق جلسات آموزشـــی، می‌تواند شرایط را برای آموزش بهتر این مفاهیم به دانش‌آموزان فراهم کند،**۴)** با توجه به یافته‌های این پژوهش، به دیگر پژوهشـــگران پیشـــنهاد می‌شود تا به بررســـی میزان توجه سایر کتابهای درسی به مؤلفه‌های توسعه سیاسی بپردازند، **۵)** بررسی نظریه‌های گوناگون توسعه سیاسی و شناسایی و استخراج مؤلفه‌ها در قالب دیگر رویکردها نیز حائز اهمیت است، **۶)** بررســـی نقش سایر عناصر برنامه درسی- مانند معلم، مدیر، مدرسه - در ارتقای سطح دانش و مهارتهای مرتبط با توسعۀ سیاسی به دانش‌آموزان، می‌تواند در این زمینه راهگشا باشد.

[Downloaded from qjoe.ir on 2026-10-07]
[DOR: 20.1001.1.10174133.1400.37.1.4.5]

منابع

REFERENCES

اخوان کاظمی، مسعود. (۱۳۷۷). توسعه سیاسی و جامعه مدنی. *اطلاعات سیاسی – اقتصادی*، شماره ۱۲۷و۱۲۸، ۳۸-۴۵.

ازکیا، مصطفی و غفاری، غلامرضا. (۱۳۹۲). *جامعه شناسی توسعه*. چاپ دهم. تهران: انتشارات کیهان.

افهمی، بنفشه. (۱۳۸۵). بررسی مضامین و آموزه‌های سیاسی در کتابهای درسی دورهٔ ابتدایی. *فصلنامهٔ پژوهشهای تربیت اسلامی، (۲)*، ۷-۲۸.

تقی‌پور ظهیر، علی. (۱۳۶۸). آموزش و پرورش و رشد سیاسی. *مجله روانشناسی وعلوم تربیتی*، (۴۲ و۴۳)، ۷۴-۱۰۱.

تقی‌پور ظهیر، علی و ضامنی، فرشیده. (۱۳۸۶). ریشه‌های توسعه‌نیافتگی در نظام آموزش و پرورش استان و ارائه مدلی جهت توسعه آن. *پژوهشنامه تربیتی*،۲(۱۰)، ۱-۴۲.

توسلی، غلامعباس. (۱۳۷۳). *جامعیت مفهوم توسعه و رابطه آن با فرهنگ*. *فرهنگ توسعه*، (۱۵)، ۲۴-۳۳.

حراتی، حسین بن شعبه. (۱۳۶۳). *تحف العقول*، ترجمه صادق حسن زاده. چاپ دوم. قم: انتشارات نشر اسلامی.

خرمشاد، محمدباقر و صیاد رودکار، اسحق.(۱۳۹۶). امر به معروف و نهی از منکر و توسعه سیاسی در جمهوری اسلامی ایران. *پژوهشهای راهبردی سیاست، ۶* (۲۳)، ۳۱-۵۸.

داد، سی. ایچ [و دیگران] . (۱۳۸۸). *مراحل و عوامل و موانع رشد سیاسی*، ترجمه عزت الله فولادوند. چاپ دوم. تهران: نشر ماهی.

درخواه، فریده؛ مزیدی، محمد و مفیدی، فرخنده. (۱۳۹۱). بررسی مؤلفه‌های دموکراسی در کتابهای تعلیمات اجتماعی دوره ابتدایی. *پژوهشهای برنامه درسی*، ۲ (۱)، ۱۲۱-۱۵۲.

رضایی، علی‌اکبر؛ صالحی‌امیری، سیدرضا و رفیعی‌نژاد، علی‌اصغر. (۱۳۹۰). موانع فرهنگی توسعه سیاسی در ایران و ارائه راهکارهای مدیریتی در این حوزه. *مجله مدیریت فرهنگی*، ۵ (۱۱)، ۱۵-۳۲.

رضوی، سید عباس؛ ملکی، حسن؛ عباسپور، عباس و ابراهیمی قوام، صغری. (۱۳۸۹). بررسی تربیت سیاسی در برنامه درسی رسمی دوره ابتدایی. *فصلنامه روانشناسی تربیتی، ۱۶* (۶)، ۱۹-۵۸.

سریع‌القلم، محمود. (۱۳۹۲). *عقلانیت و توسعهٔ یافتگی ایران*. چاپ ششم. تهران: انتشارات فرزان.

سعدآبادی، علی اصغر؛ پورعزت، علی اصغر و عباسی، طیبه. (۱۳۹۲). شناسایی مؤلفه‌های همبستگی ملی در اقوام ایرانی. *راهبرد دفاعی، ۱۱* (۴۲)، ۱۷۳-۱۹۸.

سیونگ یو، دال. (۱۳۷۷). فرهنگ سیاسی و توسعه سیاسی: مطالعه تطبیقی کره و ایران. *مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی*، (۴۰)، ۱۸۱-۲۰۱.

شیرزادی، رضا. (۱۳۹۳). *نوسازی، توسعه، جهانی شدن(مفاهیم، مکاتب، نظریه‌ها)*. چاپ دوم. تهران: نشر آگه.

عباسی سرمدی، مهدی و راهبر، مهرنوش. (۱۳۸۸). توسعه سیاسی در ایران پس از خرداد ۱۳۷۶. *فصلنامه سیاست*، ۳۹ (۲)، ۲۵۹-۲۸۰.

علی‌عسگری، مجید؛ چهارباشلو، حسین و عطاران، عاطفه. (۱۳۹۲). جایگاه مؤلفه‌های حقوق بشر در محتوای کتابهای درسی دوره آموزش ابتدایی ایران. *دوفصلنامه نظریه و عمل در برنامه درسی، ۱* (۱)، ۱۴۷-۱۶۸.

عیوضی، محمدرحیم و منصورزاده، محمدباقر. (۱۳۹۰). تاثیر فرهنگ‌سازی سیاسی رسانه ملی بر فرآیند توسعه سیاسی در جمهوری اسلامی ایران. *مطالعات روابط بین الملل*،۴ (۱۵)، ۶۳-۹۰.

فاجرلیند، اینجمار. (۱۳۷۰). *تعلیم و تربیت و توسعه ملی*، ترجمه سید مهدی سجادی. تهران: منادی تربیت.

فتحی‌واجارگاه، کورش؛ شمس‌مورکانی، غلامرضا؛ لورائی، محمدرضا و عقیلی، سیدرمضان. (۱۳۹۳). بررسی و تحلیل مؤلفه‌های حقوق بشر در کتابهای درسی دوره ابتدایی. *فصلنامه نوآوریهای آموزشی*، ۱۳(۱)، ۷-۲۴.

[Downloaded from qjoe.ir on 2026-10-07]

[DOR: 20.1001.1.10174133.1400.37.1.4.5]

فرگوسن، جرج اندرو و تاکانه، یوشیو. (۱۳۹۰). *تحلیل آماری در روانشناسی و علوم تربیتی*، ترجمه علی دلاور و سیامک نقش‌بندی. تهران: ارسباران.

قادری حاجت، مصطفی؛ عبدی، عرفان؛ جلیلی پروانه، زهرا و باقری سرنجیانه ، ناصر.(۱۳۸۹). تبیین نقش بازارچه‌های مرزی در امنیت و توسعه پایدار نواحی پیرامون مطالعه موردی: بازارچه‌های مرزی استان خراسان جنوبی. *فصلنامه بین‌المللی ژئوپلیتیک*، ۶ (۱۹)، ۱۲۱-۱۵۱.

قوام، سید عبدالعلی. (۱۳۷۱). *توسعه سیاسی و تحول اداری*. تهران: نشر قومس.

_____. (۱۳۹۳). *چالشهای توسعهٔ سیاسی*. چاپ هفتم. تهران: نشر قومس.

کاظمی، سید علی اصغر. (۱۳۷۶). *بحران نوگرائی و فرهنگ سیاسی در ایران معاصر*. چاپ اول.

محمودی، محمدتقی. (۱۳۹۰). تحلیل محتوای کتابهای درسی تعلیمات اجتماعی دوره راهنمایی تحصیلی از منظر نوع رویکرد آموزش شهروندی. *پژوهش در برنامه‌ریزی‌های درسی*،۸ (۲۸ و ۲۹)، ۹۶-۱۰۸.

مرزوقی، رحمت‌الله. (۱۳۸۴). تربیت مدنی از دیدگاه اسلام: رویکردی به پرورش سیاسی. *فصلنامه تربیت اسلامی*، ۱ (۱)، ۹۳-۱۰۸.

مرشدی‌زاد، علی. (۱۳۹۰). *فرهنگ سیاسی در نظام جمهوری اسلامی ایران، کتاب سیاست و حکومت در جمهوری اسلامی ایران*. تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق (ع)، ۲۹۷-۳۲۷.

میرزایی، خلیل و جعفری، فاطمه. ۱۳۸۸). تاثیر عوامل اجتماعی و جمعیتی بر گرایشهای سیاسی دانش‌آموزان دبیرستان‌های دولتی رودهن. *فصلنامه پژوهش اجتماعی*، ۲ (۳)، ۱۶۱-۱۷۷.

نفیسی، رسول. (۱۳۸۷). *آموزش و فرهنگ سیاسی در جمهوری اسلامی ایران، کتاب فرهنگ سیاسی در جمهوری اسلامی ایران*، چاپ دوم. تهران: انتشارات باز، ۱۸۱-۲۰۱.

هانتینگتون، ساموئل پی. (۱۳۸۱). *موج سوم دموکراسی در پایان سده بیستم*، ترجمه احمد شهسا. تهران: روزنه.

هدی، فرل. (۱۳۸۱). *اداره امور عمومی تطبیقی*، ترجمه مهدی الوانی و غلامرضا معمارزاده. تهران: اندیشه‌های گوهربار.

Almond,G . A., & Powell, G. B. (1966). *Comparative politics: A development approach.* Boston: Little, Brown & Co.

Binder, L. (1971). *Crisis and sequences in political development.* Princeton: Princeton University Press.

Chilcote, R. H. (1981).*Theories of comparative politics.* Boulder, Colo.: Westview Press.

Gutmann, A. (1989). *Democratic education.* Princeton, N.J.: Princeton University Press.

Pye, L. W. (1966). *Aspects of political development*. Boston and Toronto: Little, Brown and Company.

Romey, W. D. (1986). *Inquiry techniques for teaching science*. Englewood Cliffs, N.J.: Prentice-Hall, Inc.

Soule, S. R. (2003).*The crucible of democracy: Civic education in Bosnia and Herzegovina* (Unpublished doctoral dissertation). University of California, Santa Barbara.

Varma, S. P. (1975). *Modern political theory.* Delhi: Vikas Publishing House.

[Downloaded from qjoe.ir on 2026-10-07]

[DOR: 20.1001.1.10174133.1400.37.1.4.5]